

الگوی شخصیت قرآنی حوزه و دانشگاه؛ بازخوانی سیره عملی آیت الله قاضی خرم‌آبادی

سیدرضا مؤدب^۱

جواد جوان^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بازخوانی ابعاد قرآنی شخصیت آیت الله قاضی خرم‌آبادی به مثابه الگوی تربیتی جامعه حوزوی و دانشگاهی انجام گرفته است. مسئله اصلی تحقیق آن است که سیره و مشی این عالم قرآنی بر اساس آموزه‌های وحیانی چه ویژگی‌هایی داشته و چگونه در قالب الگوی تربیتی قابل ارائه‌اند. مبنای نظری پژوهش، روش الگوپردازی شخصیتی در قرآن و نهج البلاغه است؛ همان‌گونه که قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره احزاب، نه در قالب بیان مفاهیم ذهنی بلکه با معرفی رسول خدا ﷺ بعنوان یک اسوه حسنه، یک شخصیت واقعی معرفی می‌کند، امیرالمومنین (علیه السلام) نیز در حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه، با بیان اوصاف جزئی و دقیق از یار صالح خویش، روشی تربیتی در معرفی الگو عرضه می‌نماید. بر همین مبنای، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی ابعادی چهارگانه از شخصیت حضرت آیت الله قاضی و انطباق آن با محتوای برخی آیات قرآنی پرداخته است: ۱) «اخلاق فردی»؛ همچون دوری از بزرگ‌منشی، مراقبت گفتاری، سلامت نفس شامل پرهیز از غیبت، صبر و سعه صدر، گذشت، ساده‌زیستی و رضایت و آرامش درونی؛ ۲) «معنوی و ارزشی»؛ مانند اخلاص در عمل و رعایت بیت المال؛ ۳) «ابتکار خدمات اجتماعی»؛ ۴) «بینشی و دوراندیشانه» از جمله محورهای تربیتی در تربیت نیروی مؤمن و اهتمام به امور بانوان. یافته‌ها نشان می‌دهد که شخصیت ایشان نمونه‌ای از «اسوه‌پذیری یک شخصیت قرآنی» در دوره معاصر است که قابلیت تبدیل به الگوی تربیتی در نظام حکمرانی حوزوی و دانشگاهی را داراست. شناخت و بازنمایی چنین شخصیت‌هایی، نه توصیفی تاریخی، بلکه ضرورتی تربیتی برای جامعه اسلامی است. **واژگان کلیدی:** آیت الله قاضی خرم‌آبادی، الگو و اسوه قرآنی، شخصیت قرآنی، سیره عملی، حکمرانی حوزه و دانشگاه

^۱ استاد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران، sr-moaddab@qom.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران، al.shia@chmail.ir

قرآن کریم، با آموزه‌های الهی و والای خود، نه تنها مسیر هدایت انسان را روشن می‌سازد، بلکه مرجع تربیت اخلاقی و رفتاری شخصیت‌های دینی و اثرگذار را شکل می‌دهد. همانگونه که حضرت امام خمینی رحمته الله علیه مقصود نزول قرآن را انسان‌سازی و تهذیب نفوس می‌دانند و قرآن را کتاب احیاء قلوب و حیات ابدی معرفی می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ۱۹۲-۱۹۵ و ۱۸۴-۱۹۱). برای هر عالم ربّانی که در تاریخ اسلام توانسته تأثیری ماندگار بر جامعه داشته باشد، بی‌شک در پرتو تعلیمات قرآنی رشد کرده و اخلاق و عمل او متأثر از آموزه‌های قرآن کریم بوده است. در این راستا، بازخوانی سیره علمای ربّانی و شخصیت‌های برجسته دینی، پُلی است میان آموزه‌های قرآن و رفتار اجتماعی نسل حاضر و آینده؛ پُلی که می‌تواند ابعاد شخصیتی را نمایان سازد تا در قامت یک الگوواره ایفای نقش کند. قرآن کریم درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقش الگو برای تأثیرگذاری یاد کرده‌اند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق نیکویی بود» (احزاب، ۲۱/۳۳) در اندیشه قرآنی ناظر به آیه یاد شده، معرفی الگو نه در قالب بیان مفاهیم صرف، بلکه در قالب شخصیت‌محوری عینی مطرح می‌شود. از سوی دیگر در نهج‌البلاغه نیز امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۲۸۹ با توصیف دقیق و جزئی از یار صالح خویش در اوصافی یازده‌گانه، روشی تربیتی در معرفی الگو با ذکر ویژگی‌های عینی صاحب سیره، عرضه می‌نماید. از این‌رو مبنای نظری پژوهش، روش الگوپردازی شخصیتی در آیه و حکمت یاد شده است.

آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، از پیشتازان انقلاب اسلامی و از شاگردان حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، نمونه‌ای روشن از یک اسوه دینی با اوصافی نمایانگر یک شخصیت قرآنی است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی شخصیت قرآنی آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در نقش یک الگوی کم‌نظیر در عرصه حکمرانی حوزه و دانشگاه است.

ایشان مؤسس دانشگاه قم بود و با بنیان‌گذاری دانشکده‌های الهیات، ادبیات و حقوق، محیطی مؤمنانه فراهم آورد که صدها فارغ‌التحصیل مؤمن و اندیشمند، حاصل تلاش و تدبیر او هستند و این دانشگاه اکنون یکی از مراکز مهم علوم انسانی در کشور به شمار می‌رود. ایشان روحانی فاضل و برجسته‌ای بود که علم و عمل او همواره در خدمت نظام مقدس جمهوری اسلامی بود و تلاش فراوان کرد که دانشگاه قم پایگاه مهمی برای دانشجویان خدمتگذار برای نظام اسلامی باشد. سیره عملی و اخلاقی و تدبیر آیت‌الله قاضی در طول بیش از بیست سال از اداره دانشگاه قم تجلی و بازتابی از شخصیت قرآنی است و ویژگی‌ها و ابعادی چهارگانه همچون؛ اخلاق فردی، معنوی و ارزشی، خدمات اجتماعی و بینشی و دوراندیشی را شامل می‌شود.

اهمیت این بررسی و معرفی ویژگی‌های یک عالم قرآنی، در انتقال الگوهای عملی و رفتاری به جامعه علمی امروز و آینده نظام اسلامی و رشد و ارتقای آنان غیرقابل انکار است؛ زیرا این الگوسازی برای رشد و ساخت فرد و جامعه همان روش تربیتی قرآن در بیان اسوه حسنه در آیه ۲۱ سوره احزاب و نیز همان روش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در معرفی اوصاف یار صالح خود است (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۸۹). به نوعی این یادآوری از بزرگان و پیشینیان به تعبیر بیهقی نه تنها سپاسگزاری از آنان، بلکه برای درس‌آموزی است (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹). بنابراین بازخوانی سیره بزرگان و نکوداشت

آنان، به‌ویژه آن اسوه‌ای که حضرت امام خمینی رحمه‌الله بنیانگذار انقلاب اسلامی، او را به لقب رفیع «جناب مستطاب ثقه الاسلام» ستوده و مورد تقدیر قرار دادند و رهبر حکیم انقلاب اسلامی نیز با توصیفاتی چون «عالم خدمتگزار و ایثارگر، شخصیت روحانی دانا و توانا، خدمات برجسته، پُر تلاش و مبتکر (پیش و پس از انقلاب اسلامی)، شخصیتی کم‌نظیر در جامعه روحانیت و حوزه‌های علمیه»، جایگاه والا و رفعت مقام ایشان را گرامی داشتند و فقدان ایشان را تأسف بار یاد نموده‌اند، برای نسل‌های فردای حکمرانی در نظام حوزه و دانشگاه، گنجینه‌ای ارزشمند و پندآموز و نیازی تربیتی خواهد بود.

پیشینه تحقیق

متأسفانه، با وجود اهمیت شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در عرصه علم، عمل و تدبیر، و خلأ ناشی از فقدان ایشان، آثاری از سیره عملی و شایسته و والای ایشان در دسترس نیست؛ از معدود آثار درباره ایشان، کتاب ارزشمند «تجلی اخلاص و ایثار» است که توسط انتشارات دانشگاه قم در سال ۱۳۸۸ در اولین یادواره نکوداشت پس از رحلت ایشان شامل مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها، مقالات، پیام‌ها و برخی اسناد به چاپ رسیده است. اما پژوهش حاضر با تمرکز بر تبیین شخصیت قرآنی این عالم مجاهد، تلاش می‌کند سیره عملی و رفتاری ایشان را در پرتو آموزه‌های قرآنی بررسی کند و نمونه‌ای روشن و عملی از یک شخصیت تربیت‌یافته قرآنی ارائه دهد؛ شخصیتی که هم برای حوزه و هم برای دانشگاه، می‌تواند الگویی الهام‌بخش باشد و بررسی آن تاکنون در پژوهش‌های پیشین به‌ویژه ناظر به مبنای نظری پژوهش حاضر، مطرح نشده است.

طرح مسئله

در این پژوهش، تنها به بررسی برخی از ویژگی‌ها و ابعاد سیره قرآنی آیت‌الله قاضی پرداخته می‌شود، تا تنها جلوه‌ای روشن از شخصیت اخلاقی و رفتاری ایشان ترسیم گردد؛ چراکه گرچه «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید.» به نقل از ملازمان، آیت‌الله قاضی با اهتمام ویژه به قرآن، اهمیت انس مستمر با آن و تدبیر در آیات را از طریق تکرار و قرائت مداوم نشان می‌دادند^۱ به گونه‌ای که این روحیه قرآنی، زمینه‌ساز تمامی ابعاد اخلاقی، معنوی و خدمات اجتماعی و بینشی ایشان بود.

۱. ابعاد اخلاق فردی

۱-۱. دوری از بزرگ‌منشی

آیت‌الله قاضی، که نزدیک به بیست سال در محضر ایشان بودم، رئیسی بود که هرگز خود را رئیس دانشگاه معرفی نکرد و هیچ‌یک از رفتارها، نشست‌ها و برخاستن‌های او، نشانه‌ای از ریاست او نداشت. در برخی از جلسات مهم دانشگاه، در میان دانشجویان و کنار آن‌ها می‌نشست، به گونه‌ای که در چشم نبود. حتی در رفت‌وآمد به منزل، خود تاکسی شهری

^۱ به نقل از استاد حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بی‌آزار در مصاحبه با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا؛ قم).

را خبر می‌کرد تا او را به خانه برساند. در سالن غذاخوری و خوابگاه‌های دانشجویی، خود حاضر می‌شدند و بی‌تکلف با دانشجویان گفتگو می‌کردند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). رفتار عملی ایشان نشان از تجلی پدر معنوی بود تا ریاست دانشگاه.

در حقیقت، او مصداق این آیه شریفه بود:

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ (آری)، این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! (قصص: ۸۳/۲۸)

حضرت آیت‌الله مکارم‌شیرازی در تفسیر گرانقدر نمونه در ذیل این آیه می‌نویسند: محرومیت انسان از مواهب آخرت، ناشی از دو چیز است؛ برتری‌جویی (استکبار) و فساد در زمین که تمامی گناهان در آن جمع است؛ زیرا هرچه خداوند نهی کرده، بر خلاف نظام آفرینش و تکامل انسان است و ارتکاب آن، نظام زندگی انسان را برهم می‌زند و از این‌رو مایه فساد در زمین است. مسأله استعلاء و برتری‌جویی، خود یکی از مصادیق فساد در زمین است و اهمیت آن باعث شده که به‌ویژه مورد توجه قرار گیرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۷۸). ایشان می‌افزایند که در روایات اسلامی نیز بارها بر این موضوع تأکید شده است؛ تا آنجا که در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

﴿إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْجَبُهُ أَنْ يَكُونَ شِرَاكُ نَعْلِهِ أَحْوَدَ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِ صَاحِبِهِ، فَيَدْخُلُ تَحْتَهَا﴾؛ گاه می‌شود که انسان از این لذت می‌برد که بند کفش او از بند کفش دوستش بهتر باشد و به خاطر همین داخل تحت این آیه می‌شود، (چرا که این هم شاخه کوچکی از برتری‌جویی است!) (همو به نقل از طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، صص ۲۳۴-۲۳۵). آیت‌الله قاضی در دوران مدیریت نه تنها به فکر بزرگ‌منشی نبود، بلکه به تصریح آیه یادشده، اراده آن را نیز نمی‌کرد تا نمایی از آن در عمل دیده شود. هدف ایشان از ریاست، نه لذت‌جویی و تبختر، بلکه برای احیای حق یعنی عزت اسلام و ایران اسلامی بود. در این باره امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ابن عباس فرمودند: ﴿مَوَاضِبُ بَاشِ كَهْ بَهْتَرِينَ شَيْءٍ نَزْدَ تَو، رَسِيدِن بَه لَذَاتِ دُنْيَا وَ يَا اِنْتِقَامِ گِیرِی وَ خَنَكِ كَرْدِنِ دِلِ نَبَاشِدْ؛ بلکه باید خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد﴾ (نهج البلاغه، نامه ۶۶ و ۶۷).

اطاق محل کار ایشان در دانشگاه تا مدت‌ها در کارگاه ساختمانی دانشگاه بود و بدون هیچ تابلو یا علامتی بدون دفتر رئیس (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، صص ۲۲۷ و ۲۷۱). شاید علت اینکه ایشان به اقتضای شرایط از دفتردار استفاده نمی‌کردند، رعایت این حدیث شریف از امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد که می‌فرمایند: ﴿إِمَّا وَالِ احْتَجَبَ عَنْ حَوَائِجِ النَّاسِ احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾؛ هر والی که بین خود و مردم دربان قرار دهد، خداوند تعالی روز قیامت بین خود و او پرده‌ای به‌عنوان مانع قرار می‌دهد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۹۴).

در بسیاری از مراجعات‌های به دفتر ایشان سراغ آقای قاضی را از خود ایشان می‌گرفتند و گمان نمی‌کردند ایشان رئیس دانشگاه باشد! و بتوان به راحتی ایشان را ملاقت کرد (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۹۶ و ۲۲۷). برخی دانشجویان تا پایان دوران تحصیل خود، با وجود دیدن ایشان، از مسئولیت ریاست او بی‌خبر بودند. ایشان در عین تلاش فراوان برای انجام وظایف

دانشگاهی، همواره می‌کوشید که ریاست، برای او حالت فخر و بزرگ‌منشی ایجاد نکند و همواره بر دوری از بزرگ‌منشی شهره بودند^۱. در بسیاری از جلسات در غیر جایگاه ویژه می‌نشستند، و اگر رعایت لوازم مسئولیت نبود، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد در مجالس رسمی دانشگاه در ردیف اول بنشینند و یا اگر در مجالس ختم و عزا دیده می‌شدند، در گوشه‌ای به دور از نگاه دیگران و برق عکاسان می‌نشستند و سپس آرام جلسه را ترک می‌کردند (همان، صص ۱۳۶ و ۲۷۱ و ۳۶۱). «از تظاهر و خودنمایی به شدت متنفر و فراری بود و کوچکترین اعتنا و توجهی به تشخص شغلی و عناوین اهدایی و طراحی دفتر و محل کار نمی‌کرد» (همان، ص ۳۶۱). از شهرت گریزان بودند و بارها با برگزاری مجالس بزرگداشت خود مخالف جدی کرده و تهدید کرده بودند که در صورت تشکیل چنین جلساتی، در آن شرکت نمی‌کنند (همان، ص ۱۳۸). همچنین ایشان هیچ‌گاه خود را برتر از دیگران نمی‌دید و بر عکس اگر کسی را برتر از خود می‌دیدند، میدان خدمت را به او وامی‌گذاشتند و تلاش می‌کردند تا در خدمت او باشند؛ مانند دعوت ایشان از آیت‌الله مدنی در حوزه علمیه کمالوند (همان، صص ۹۸ و ۶۹ و ۳۴۸-۳۵۰). همین ویژگی، شخصیت قرآنی او را ممتاز و کم‌نظیر ساخته بود. در واقع ایشان رئیسی به دور از آفات آن بود؛ یعنی به دور از فخر فروشی. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «آفة الرِّیاسة الفخر»؛ آفت ریاست فخر فروشی است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۹).

البته ایشان به حق شاگرد امام خمینی رحمته الله بودند. رهبر، مرجع و پیشرویی که خود نیز میل به شهرت و بزرگ‌منشی نداشت و این روحیه ایشان زبازد عموم است. امام در پایان درس اخلاقشان برای طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، به این آیه شریفه عنایت داشته و آن آیه را قرائت می‌کردند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۰۰).

حضرت علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه یادشده به اهمیت بهشت اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: در جمله «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ»، کلمه «تِلْكَ» که مخصوص اشاره به دور است، شرافت، ارجمندی و علو مکان آخرت را می‌رساند؛ و شاهی است بر اینکه مراد از دار آخرت، دار آخرت سعیده است، نه هر آخرتی. و نیز به همین جهت مفسرین دار آخرت را در این آیه به بهشت تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۸۱). بنابراین، آیت‌الله قاضی نیز بر اساس همین مصداق، دارای سرای سعادت و اهل بهشت بودند. اهل سرای آخرت بودند و توصیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کارگزارانشان را در مقام عمل اطاعت کرده بودند: «وَ اذْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ اَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ»؛ و در امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به مقدار ضرورت برای خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازت (قیامت) از پیش بفرست (نهج‌البلاغه، نامه ۲۱).

۱-۲. سکوت و مراقبت زبانی

از تجلیات سیره قرآنی مرحوم آیت‌الله قاضی این بود که کمتر به‌عنوان رئیس سخن می‌گفت و اگر مجبور به سخنرانی بود، کوتاه و در دقایقی خلاصه می‌نمود. این رفتار اخلاقی علاوه بر فضیلت دوری از بزرگ‌منشی، گویای مراقبه و دقت گفتاری است که گفتار صواب و به دور از لغو باشد. قرآن کریم در اوصاف مومنین، قول آنان را «قول سدید» معرفی

ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛

می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگوئید... (احزاب، ۷۰/۳۳). علامه طباطبایی مراد از قول سدید را کلامی مطابق با واقع، دور از لغو، دارای فواید مشروع معرفی می‌کند. و در ادامه چنین تحلیل می‌کنند که مقصود این است که «بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد، و نیز گفتار خود را بیازماید، که لغو و یا مایه افساد نباشد» (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۴۷).

از مرحوم آیت‌الله قاضی نیز چنین نقل شده است که:

«کم سخن می‌گفت و اگر می‌خواست سخنی بگوید چنان سنجیده و بی‌توقع از تعریف و تمجید دیگران، طرفداری از حق می‌کرد که گویی در محضر احکم الحاکمین و در صحنه قیامت ایستاده است و پاسخگوی اعمال و رفتار خویش است...» (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۹)

در اوصاف و سیره عملی یاد شده از ایشان، انواعی از سجایای اخلاقی مشهود است. اما در مراقبه سکوت و دقت گفتاری، آیه شریفه ﴿مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق: ۱۸/۵۰) را در اتاق و روبروی میز کارشان نصب کرده بودند تا تذکری برای خود و مراجعین باشد که هر سخن و اظهار نظری در کارنامه اعمال ثبت و ضبط می‌شود (همان، ص ۲۵۹). علامه طباطبایی این آیه شریفه را در ادامه آیه قبل ﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ﴾ (ق، ۱۷/۵۰) آورده‌اند و دریافت اعمال انسان را عام، و ضبط سخن و گفتار او را ذکر خاص بعد عام دانسته‌اند که نشان دهنده این است که گوینده نسبت به خاص عنایت بیشتری دارد و دال بر اهمیت خاص است؛ مانند آنکه شما به پسر بزرگ خود وصیت کنی: «ارحام و خویشاوندان را پاس بدار، فلان پسر عمومیت را پاس بدار» این بیان می‌رساند که درباره آن شخص عنایتی بیشتر مطرح است. ایشان «لفظ» را به معنای پرت کردن و تشبیهی ناظر به سخن گفتن دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۸، ص ۳۴۷-۳۴۸). سخن گفتن تشبیه به پرت کردن شده است؛ زیرا اگر سخنی از دهان خارج شد، بار عملی و رفتاری می‌یابد و فرشتگان موکل ثبت و ضبط اعمال، آن را در نامه عمل انسان ثبت می‌کنند از این‌رو مراقبت زبانی اهمیتی فراوان می‌یابد و مرحوم آیت‌الله قاضی به راستی عالم به آیه شریفه و عامل به مراقبت در ایراد سخن بودند.

ایشان با باورمندی به کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام مبنی بر اینکه گفتار از اعمال انسان است، جز به ضرورت سخن نمی‌گفتند: ﴿وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ﴾؛ کسی که بداند گفتار او در شمار کردار اوست [و بازخواست می‌شود]، گفتار او جز در مواردی که مفید است، اندک شود (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹ و ۷۱۳). ایشان از افرادی بودند که سخنشان اندک اما عمل و آثار عملشان بزرگ و کم‌نظیر بود (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۳). این حکمت ارزشمند امام علیه السلام، گویای همان آیه شریفه یاد شده است. اوصاف و خاطرات بسیاری از مراقبت گفتاری ایشان نزد ملازمان، شاگردان و نزدیکان ایشان به یادگار نقل شده است.^۳

سعدی شیرازی نیز به زیبایی نقش سخن گفتن را چنین ترسیم کرده است:

^۱ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!

^۲ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند.

^۳ ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار، ص ۳۱؛

نکته‌ای کآن جَست ناگه از زبـان هم‌چو تیری دان که آن جَست از کمان
 وا، نـگردد از رَه، آن تیر ای پسر بند باید کـرد سیلی را ز سـر
 چون گُذشت از سـر، جهانی را گرفت گـر جهان ویران کند، نَبود شگفت^۱

۱-۳. سلامت نفس

سلامت نفس، از بنیادی‌ترین خصلت‌های اخلاقی در سلوک علمای ربانی است؛ خصلتی که در وجود آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی به صورت برجسته و چشمگیر جلوه داشت و در نگاه مراجع عظام و بزرگان حوزه، سیمای شخصیتی اخلاقی، پاک، معتدل و سلیم‌النفس از ایشان ترسیم می‌کرد. بسیاری از آنان همچون مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله مکارم‌شیرازی که سالیان طولانی در کنار او زیسته و با او معاشرت داشته‌اند، بر این باورند که در طول معاشرت طولانی خود «خلافی از ایشان ندیده‌اند» (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۳) و سلامت نفس او در میان فضلا و علما زبانزد بوده است. آیت‌الله العظمی سبحانی نیز رعایت اخلاق در مدیریت و سیره عملی ایشان را مورد تأکید قرار داده‌اند (همان، ص ۲۷). جنبه‌های اخلاقی و سلامت نفس ایشان گسترده بود؛ که در این پژوهش تنها به برخی از شاخص‌ترین جلوه‌های سلامت نفس ایشان اشاره می‌شود:

۱-۳-۱. پرهیز از غیبت و بدگویی

آیت‌الله قاضی در سخنان اندکی که از ایشان شنیده می‌شد، هرگز پشت سر کسی حرف نمی‌زد و حتی هنگام مواجهه با شنیدن غیبت، با سکوت یا تذکر ملایم، قبح آن را به دیگران گوشزد می‌کرد. ایشان درباره رفتار و عملکرد دیگران داوری نمی‌کرد و هرگز نمی‌گفت کار فلانی خوب یا بد است، یا اینکه اگر فلانی فلان کار را نمی‌کرد، بهتر بود یا خیر. حتی در شرایط دشوار و مواجهه با خصومت، از غیبت و بدگویی پرهیز می‌نمود و همواره خیرخواه همه بود (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۲۰۴ و ۳۱). نقل می‌شود که در زندان نیز برای دوری از غیبت و حفظ دین، ترجیح می‌داد به بند انفرادی منتقل شود (همان، ص ۲۳۰)؛ زیرا ایشان می‌دانست که ساکت بودن در مواجهه با غیبت‌کننده، شریک در غیبت است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۲۶). و اگر اطلاع می‌یافت که کسی پشت سر او غیبت کرده است، می‌گفت: «ما که ثوابی نداریم، شاید غیبت آنان قدری از گناهان ما را کم کند» (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸). ایشان هیچ توجهی به پُست، مقام یا کنار رفتن و آمدن دیگران نداشت و درباره آن‌ها سخنی نمی‌گفت (همان، ص ۳۳). این پرهیز از بدگویی، نه تنها پاکی دل و صفای روابط انسانی را حفظ می‌کرد، بلکه شاگردان و اطرافیان را نیز به رعایت ادب و اخلاق در گفتار تشویق می‌نمود.

ایشان عامل به دستور قرآن مبتنی بر تقوای پیشگی و اجتناب از غیب بوده‌اند: «...وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ...»؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید» (حجرات،

^۱ مولانا، مثنوی معنوی، دفتر اول.

۱۲/۴۹). در این آیه غیبت کردن در مثل خوردن گوشت برادر خود، نوعی درندگی یاد شده است و در مقابل تقوا قرار دارد (قزائنی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۹۴). غیبت آن است که اگر در غیاب فردی در باره او چیزی بگویی و بشنود، ناراحت شود و این عمل اجزای مجتمع بشری را به فساد و نابودی می کشاند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۸، ص ۳۲۳). در واقع دوری از غیبت کمک به حفظ و رشد جامعه است و ارکان جامعه اسلامی با غیبت گسسته خواهد شد.

۲-۳-۱. سعه صدر، صبر و کنترل خشم

در مدیریت دانشگاه و مواجهه با بحران‌ها، و انتقادهای تند هیچگاه واکنش عصبی و تلافی جویانه نداشت. اعتراضات و فشارهای شدید، هرگز او را از آرامش درونی و تصمیم‌گیری صحیح باز نمی داشت بلکه حلال عبور از فتنه‌ها و مشکلات و نامالیات سعه صدر، حلم و بردباری ایشان بود (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۴۱-۴۲ و ۲۲۶). برخورد ایشان با مخالفان، همواره همراه با تدبیر و صبوری بود؛ به قول آیت الله محقق داماد حتی کسانی که مقابلش می ایستادند یا ناسزا می گفتند، با بردباری پاسخ می دیدند و اگر چنین رفتاری نداشت، هرگز نمی توانست این مسئولیت‌های مهم را بر عهده گیرد و مدیریتی موفق ارائه دهد (همان، ص ۴۱). ضمن تحمل بدگویی مراجعه کنندگان، تحت تأثیر تملق و تمجید نیز واقع نمی شد (همان، ص ۲۱۸). در وقایع اعتراضات سال ۱۳۷۷ دانشگاه قم، ایشان با جدیت از ارسال پرونده دانشجویان خاطی به کمیته انضباطی و ثبت موارد انضباطی در پرونده آنان جلوگیری کردند و می فرمودند: «اگر به بنده چیزی گفته اند، اشکالی ندارد» (همان، صص ۲۱۴-۲۱۰). آیت الله قاضی همواره در برابر نامالیات، تهمت‌ها، فحاشی‌ها و برخوردهای تند، برای رضای خدا صبر پیشه می کردند و به اذعان بزرگانی همچون آیت الله مقتدایی، تا پایان عمر موفق بودند (همان، ص ۵۳). این سیره رفتاری آیت الله قاضی در حقیقت بازتابی روشن از اخلاق نبوی است؛ همان اخلاقی که خداوند در قرآن آن را می ستاید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب!» (آل عمران، ۱۵۹/۳). صاحب مجمع البیان می فرماید: همین نرم‌خویی، عطوفت، خوش‌خلقی و اخلاق کریم و حُسن و سجایای نیکوی پیامبر ﷺ دلایل و برهان ایشان برای داخل کردن مردم در دین الهی است، در صورتی که اگر جفاپیشه، سنگدل و بی‌مهر و عطوفت بود، مردم از اطراف او پراکنده می شدند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۸۶۹) از این رو این سیره عملی علمای ربّانی نیز تنها برای خدا و خیرخواهی برای داخل نمودن آنان در دین است. و انگیزه شخصی در طرح الهی شامل دعوت الهی و هدایت مردم، جایگاهی ندارد.

۳-۳-۱. گذشت و دوری از کینه

ویژگی برجسته دیگر ایشان، توانایی عفو و گذشت از کسانی بود که به ایشان ظلم کرده بودند. نقل شده است که فردی که پیش از انقلاب ایشان و آیت الله صادقی را شکنجه کرده بود، پس از انقلاب زیر نظر ایشان قرار گرفت و آیت الله قاضی او را بخشید و آزاد کرد و چون علت را جویا شدند، ایشان فرمود: «دیدم طرف این زندانی فقط من و شما هستیم. او ما را شکنجه کرده است، و نه شما و نه بنده اهل کینه نیستیم، پس او را بخشیدم» (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۶۷-۶۶). این بلند نظری، تجلی کمال اخلاقی و سلامت نفس ایشان بود و در این باره آیت الله صادقی گفتند: «من انسانی با این بلند نظری

کم دیده‌ام» (همان، ص ۶۶-۶۷). ایشان همچنین از هرگونه بازی با حیثیت افراد و کوچک شمردن دیگران به شدت برآشفته می‌شد و با وجود اطلاع از امور محرمانه، در برابر سوء برداشت‌ها و بدی‌های دیگران صبور بود و با مهربانی و عطوفت با آن‌ها رفتار می‌کرد (همان، ص ۹۵).

از دیگر جلوه‌های بارز صبوری ایشان، رفتار مهربانانه با کسانی بود که علیه ایشان تهمت و ناسزا می‌گفتند؛ حتی در جریانی نقل است که بارها در مسیر عبور به فردی که هتاک به ایشان بود، سلام می‌داد و محبت می‌کرد تا در انتها موجب اصلاح و تغییر رفتارشان شد (همان، ص ۸۹-۹۰). این رفتار، تجلّی عمل به توصیه‌های قرآن است؛ همان‌جا که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾؛ و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند) (فرقان، ۶۳/۲۵). و نیز در وصف پرهیزگاران می‌فرماید: ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از خطای مردم درمی‌گذرند» (آل عمران، ۱۳۴/۳). بر این اساس، صبر، فروبردن خشم و گذشت ایشان، نه انفعال، بلکه بهره‌گیری از فرصت‌ها برای هدایت و اصلاح مردم بود.

۴-۳-۱. ساده‌زیستی و پرهیز از دنیاطلبی

با وجود امکانات و توان مالی، زندگی شخصی آیت‌الله قاضی بسیار ساده و معمولی بود و در مواردی حتی پایین‌تر از حد معمول زندگی می‌کردند. ایشان از تجملات و خودنمایی پرهیز می‌کردند و به زرق و برق زندگی دنیوی بی‌توجه بودند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۶). قرآن کریم در مواجهه با منکران لجوج، عامل انحراف از فلاح و رستگاری را ترجیح زندگی دنیا معرفی می‌کند، در حالی که آخرت باقی و بهتر است: ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾؛ ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! (اعلی، ۱۶/۸۷-۱۷).

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی معتقدند هرچند مؤمنان می‌دانند آخرت از دنیا بهتر و پایدارتر است، اما گاهی این علم و آگاهی زیر پا نهاده می‌شود؛ و علت آن چیزی جز غلبه شهوات نیست، و ریشه غلبه شهوات نیز همان حب دنیا اعم از حب مال، مقام، شهوت جنسی، برتری‌جویی و... است؛ از این‌رو در روایات سرچشمه همه گناهان حب دنیا معرفی شده است: ﴿حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ﴾ (کلینی، ج ۲، ص ۱۳۱). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۰۶).

در خوراک نیز بسیار مراقب بود و از پرخوری و طمع به غذاهای رنگارنگ اجتناب می‌کرد (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۳۰). این سبک زندگی نشانگر تسلط بر هوای نفس و بی‌اعتنایی به وابستگی‌های دنیوی بود و نمونه‌ای عملی از سلامت نفس برای اطرافیان و شاگردان به شمار می‌رفت.

۵-۳-۱. رضایت قلبی و آرامش درونی

حتی در سال‌های بیماری و تحمل رنج‌های بسیار در اواخر عمر شریفشان، با وجود سه بار دیالیز شدن در هفته اما خستگی‌ناپذیر مشغول فعالیت برای رضای خدا بودند و آرامش و اطمینان در چهره ایشان موج می‌زد (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۴۱-۴۲). و به فرموده آیت‌الله محقق داماد نگاه او به گذران عمر و زندگی، مطابق آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

اُزِجِیْ اِلٰی رَبِّكَ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً^۱ (فجر، ۲۷/۸۹-۲۸) بود. زندگی با رضایت قلبی، بدون پشیمانی و با آمادگی برای حرکت به سوی خداوند. نفس مطمئنه حالتی از جان انسان است که با یاد خدا آرام گرفته و به رضای او راضی است؛ خود را مالک هیچ نفع و ضرری نمی بیند و دنیا را عرصه آزمون الهی می داند. چنین انسانی در نعمت دچار طغیان و غرور نمی شود و در فقر به کفر و ناشکری نمی افتد، بلکه همواره در مسیر بندگی و اعتدال باقی می ماند و مستوجب رضای الهی، یعنی رسیدن به مقام «مرضیه» است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۲۸۵).

هر چند هیچ گاه درس اخلاق به شکل مرسوم نمی گفتند، اما این آرامش و ثبات درونی، پشتوانه موفقیت مدیریتی و اثرگذاری اخلاقی او بر طلاب و شاگردان و اطرافیان خود بود؛ زیرا از اخلاص و ایمان کافی برخوردار بود از این رو اگر نصیحت و تذکر می داند، چنان در دل ها اثرگذار بود که کمتر کسی در مجلس منقلب نمی شد (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

۲. ابعاد معنوی و ارزشی

۲-۱. پایبندی به رعایت بیت المال

از ویژگی های برجسته و شهره همگان از آیت الله قاضی در مسئولیت های گوناگون، حساسیت و پایبندی عمیق ایشان به رعایت بیت المال بود. حساسیت ایشان به صرفه جویی و استفاده درست از منابع عمومی، همواره با دقت و اخلاق اسلامی همراه بود. نمونه های فراوانی از ساده زیستی، استفاده نکردن از امکانات دولتی، پرداخت هزینه ها از منابع شخصی، و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از اموال عمومی، نشان می دهد ایشان جایگاه خدمت را امانت، و وسیله ای تنها برای عمل به تکلیف و خدمت می دیدند. این نگاه، الگویی ارزشمند از مدیریت امانتداری، صداقانه و اخلاق محور در تمامی مسئولیت های ایشان ارائه می دهد که امروزه بسیار مورد نیاز کارگزاران نظام اسلامی است.

قرآن کریم در دو آیه «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ آنان که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند» (مؤمنون، ۸/۲۳؛ معارج، ۳۲/۷۰)، بر ضرورت پایبندی به امانت و وفای به عهد تأکید می کند. تعبیر جمع «لِأَمَانَاتِهِمْ» ناظر به همه امانت های خدا، پیامبران علیهم السلام و مردم است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۵، ص ۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۹۹).

آیت الله قاضی جلوه عملی این آموزه قرآنی بود. او همانند توصیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به اشعث بن قیس والی آذربایجان که فرمود: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»؛ مسئولیت و حکمرانی، طعمه و وسیله بهره برداری شخصی نیست، بلکه امانتی بر گردن توست» (نهج البلاغه، نامه ۵)، همه مسئولیت های خود را امانتی الهی می دانست و نه فرصتی برای بهره کشی. رهبر انقلاب اسلامی نیز با الهام از همین روایت، مسئولیت در نظام اسلامی را «باری بر دوش انسان» معرفی می کنند که تنها با نیت درست و برای هدف الهی باید آن را تحمل کرد (رهبری، بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۲۵). از این رو با وجود اتهامات منافقین به ایشان در حوزه مالی، اما سخاوت در اموال شخصی و سخت گیری در امور مربوط به

^۱ تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.

بیت‌المال از ویژگی‌های برجسته سیره رفتاری ایشان است که مورد تأیید بزرگان است.^۱ در عین وسعت نظر در امور لازم و آینده‌نگرانه، اما در همه خرج‌کردهای از بیت‌المال، جزئی‌نگر بودند (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷). به نقل از آیت‌الله مقتدایی یکی از ویژگی‌های اولیای خدا اجتناب از مباحات است که نکند مرتکب خلافی شوند و این کار از امتیازات آقای قاضی بود... (همان، ص ۵۲) و همچنین «اموری که ایشان رعایت می‌کردند به گونه‌ای بود که من حتی در میان روحانیون معظم، کمتر می‌دیدم. اخلاق ایشان واقعاً اخلاقی اسلامی بود» (همان، ص ۵۴).

آیت‌الله موسوی اردبیلی نقل می‌کنند: برخلاف تصور برخی که گمان می‌کردند ایشان برای منافع مالی به دستگاه قضایی آمده‌اند، اما از خودروی رایگان دستگاه قضایی استفاده نمی‌کردند و بنزین خودروی شخصی را نیز خود می‌پرداختند. در اتاق خود کنتور برقی نصب کرده بودند تا هزینه برق مصرفی اتاقش در دادگستری را خود بپردازند و هرگونه مصرف کاغذ یا منابع عمومی را با پول شخصی تأمین می‌کردند. در سفرها و فعالیت‌های رسمی نیز حتی یک ریال از بیت‌المال صرف امور ایشان نمی‌شد (همان، ص ۳۱). همو می‌گوید ایشان نه برای معاونت و نه برای رفت و آمد پولی دریافت نمی‌کرد (همان). ایشان در ایام حضور در دستگاه قضایی و در دانشگاه، از اقلامی مانند قلم، کاغذ، تلفن خودروی سازمانی و... در جلسات از چایی و پذیرایی و نیز از امکانات دولتی مانند هتل و مهمانسراها در مأموریت‌ها استفاده نمی‌کردند، و پذیرایی موجود در اتاقشان از هزینه شخصی تأمین می‌شد.^۲ زیرا در نگاه ایشان، همه مسئولیت‌ها و امکانات، امانتی الهی بود که باید به اهل آن سپرده شود (نساء، ۵۸/۴). آیت‌الله قاضی فرمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را با جان و عمل پذیرفته بود؛ آنجا که حضرت (علیه السلام) می‌فرماید: ﴿نُوكَ قَلَمُ هَآئِذَا رَا بَارِیْكَ كُنِیْد، سَطْرَهَآئِذَا رَا نَزْدِیْكَ بِهٖ هَمْ بَنُوْسِیْد، اَز نَكَارَشْ مَطَالِبْ اَضَافِیْ بِرَهْیَزِیْد وَ تَنْهَآ لَبِّ مَطْلَبْ رَا بَنُوْسِیْد وَ اَز زِیَادَهٗ گَوِیِ بِرَهْیَزِیْد؛ زِیْرَا اَمْوَالْ مُسْلِمَانَانْ تَوَانْ زِیَانْ رَا نَدَارْدْ﴾ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۴۰۴).

در ایام مدیریت ایشان در دانشگاه هرچند حجم کار زیاد و اطرافیان گلايه می‌کردند، اما با حساسیت، خود تمامی فاکتورهای مالی را بررسی می‌کردند و همواره به مدیران توصیه می‌کردند در مسائل مالی دقیق باشند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳ و ۲۱۸-۲۱۹). با وجود مهربانی و رعایت عزت اطرافیان اما در مواجهه با امور بیت‌المال قاطعانه می‌ایستاد (همان، ص ۱۵۲). در مواجهه با درخواست مالی دانشجویان، با حفظ رعایت عزت آنان و بدون چشم‌پوشی از بیت‌المال، اما سخاوتمندانه از هزینه شخصی مشکلات ایشان را حل می‌کرد (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱). زیرا به علم خود به این روایت، عامل بودند: ﴿جُودُ الْوَلَاةِ یَفِیْءُ الْمُسْلِمِیْنَ جَوْرٌ وَ خُتْرٌ﴾؛ بخشش کردن حکمرانان از اموال عمومی مسلمانان، ستم و خیانت است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۶).

ایشان واگذاری پست‌ها و مشاغل را به هیچ‌یک از وابستگان نمی‌سپرد و حتی اگر عضوی از خانواده در دانشگاه حاضر می‌شدند، برای رعایت احتیاط در عدم استفاده از امکانات، پولی کنار می‌گذاشت (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۶). خود حتی از چای دانشگاه استفاده نمی‌کردند و اگر قصد حضور در سالن غذاخوری و صحبت با دانشجویان را داشتند، فیش غذا را

^۱ ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار، صص ۱۴۹، ۳۸، ۴۹-۵۰.

^۲ ر.ک: همان، صص ۵۱-۵۲ و ۱۱۲ و ۲۱۸ و ۳۵۹ و ۳۶۴-۳۶۵.

از هزینه شخصی پرداخت می‌کردند (همان، ص ۲۰۴-۲۰۵). رعایت در خوردن یک استکان چای و یک وعده غذا، ناشی از پرهیز ایشان از کوچک‌انگاری در امانت‌داری است؛ زیرا بزرگترین خیانت، خیانت به ملت معرفی شده است (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۲۶).

ایشان با حداقل بودجه‌های دریافتی، توانست بناها و پروژه‌های وسیع و اثربخشی در دانشگاه قم بسازد، به گونه‌ای که حتی رئیس دولت‌های پنجم و ششم و کمیسیون آموزش عالی مجلس از کارهای ایشان با وجود بودجه ناچیز دریافتی، شگفت‌زده شده بودند (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۳۸ و ۹۳). ایشان با مدیریت دقیق بیت‌المال و بهره‌گیری از کمک خیرین و درآمد مستقل، الگویی موفق در استفاده بهینه از منابع محدود بود (ر.ک: همان، ص ۲۳۵). این روش و دقت در مدیریت منابع و بهره‌گیری از کمک خیرین پیش‌تر نیز در ساخت کارخانه برق خرم‌آباد با همراهی برادرشان حاج نورالدین و اخذ وام و... و همچنین بنای عظیم مسجد الغدير خرم‌آباد با ثلث مال برادرشان حاج علی‌اصغر، تجلی یافته بود (همان، ص ۸۸).

۲-۲. اخلاص در عمل

رمز موفقیت، اثرگذاری و روح اقدامات آیت‌الله قاضی اخلاص ایشان بود. ایشان اعتقاد ویژه‌ای داشتند که هر کاری باید برای رضای خدا انجام شود و در تمامی رفتار، اندیشه و برخوردها، خدامحوری به‌وضوح قابل مشاهده بود. اخلاص را صفا یافته و رها شده از هر آمیختگی معرفی کرده‌اند که در آن، غیر خدا راه ندارد (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۴، صص ۱۶۸-۱۶۹) و از این‌رو اخلاص در برابر شرک و ریا قرار دارد. در قرآن کریم دستور به پرستش خدا همراه با اخلاص در آیه ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ (بینه، ۵/۹۸) مطرح شده است؛ یعنی از آنان خواسته نشده، جز این که خدا را خالصانه و به دور از هرگونه شرک، حتی شرک خفی مانند ریا، عبادت کنند. عمل بدون اخلاص، تنها جنبه ظاهری و صوری آن می‌ماند، که هیچ منفعتی برای انسان نخواهد داشت (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۳، صص ۴۱۰-۴۲۶). بر همین اساس پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابن مسعود فرمودند؛ ای پسر مسعود هنگامی که کاری انجام می‌دهی خالص برای خداوند انجام بده؛ زیرا خداوند از بندگان اعمال را نمی‌پذیرد، جز عملی که خالص باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۰۳). ایشان اهل تظاهر و ریاکاری نبود فعالیت‌های خود را با نیت خالص الهی انجام می‌داد. بی‌توجهی به منافع مادی، دوری از تمجید و تحسین دیگران از ویژگی‌های اخلاقی ایشان بود و همین خلوص، آثار و پروژه‌هایش را ماندگار و با برکت ساخت. خدمات گسترده آیت‌الله قاضی - که همواره بر اساس شناخت نیازهای زمان هدایت می‌شد - بهترین گواه اخلاص اوست؛ چراکه کسی با سابقه مسئولیت‌های کلان اجرایی و قضایی، تنها زمانی در هر دوره سنگری نو برمی‌گزیند که انگیزه‌اش جز رضای الهی نباشد.

در طول عمرش هرگز اجازه تعریف، تمجید یا برگزاری نکوداشت را نداد، اما پس از رحلتش، مراجع عظام تقلید و بزرگان خود به تمجید از اخلاص و شخصیت کم‌نظیر او لب‌گشودند. از امتیازات ویژه و عوامل پیشرفت ایشان در نظر آیت‌الله مکارم‌شیرازی نظم، پشتکار و نیت خالص وی بود؛ با وجود آن‌همه اقدامات اما اهل تظاهر و ریاکاری نبود. اثر تلاش و

اقدامات او گویا بود. به شهادت این مرجع عالیقدر، آیت‌الله قاضی سی سال کار مخلصانه را بدون دریافت حقوق با رعایت تمام موازین اسلامی به سرانجام رساندند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۴-۲۵). حضرت آیت‌الله سبحانی نیز ایشان را فردی مخلص و مصداق آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفَةٍ»؛ بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید (سبأ، ۴۶/۳۴) می‌داند؛ چرا که همه کارهای فردی و جمعی ایشان برای خدا بود؛ چه پیش از انقلاب در خرم‌آباد و چه پس از انقلاب در قم، به حق برای خدا کار می‌کرد. «من نمی‌توانم بگویم بی‌هوی بود چون تنها معصوم بی‌هوی است. اما کم هوی بود»... روح تمام عبادات ما اخلاص است و همین موجب قرب ما به سوی خدا می‌شود (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۶). این آیه اشاره دارد که وظیفه هدایتگری و موعظه همراه با قیام و به‌پا خواستن تنها و خالص برای خدا باشد، بدون توجه به تعداد نفرات؛ زیرا هر انقلابی اگر برای خدا نباشد و برخاسته از هوی و هوس‌ها و کسب ثروت باشد به جایی نمی‌رسد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۸۸، قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۶۰)؛ زیرا در اصل، اخلاص در کارها و حتی در اندیشیدن، خمیرمایه و موجب نجات و سعادت و برکت است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۵).

آیت‌الله موسوی‌اردبیلی می‌فرمودند: اثر اخلاص در آثار و تجلیات رفتاری ایشان هویدا بود، ظاهر و باطنش یکی بود و ظاهرسازی نمی‌کرد؛ ایشان شخصیتی اخلاقی و کم نظیر و یک مسلمان واقعی بود، در حد خودش (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۳۱-۳۲). همو گوید: ایشان هیچ‌گاه برای مال، مقام یا جلب توجه کار نمی‌کرد و همه فعالیت‌هایش را تنها برای خدا انجام می‌داد. خلوص ایشان عجیب بود و در این دوره فاسد کسی برای پول و پست کار نکند خیلی عجیب است؛ شاید اگر من بدبین نباشم از چند صد نفر یک نفر این‌گونه پیدا نمی‌شود. او را مانند یک ستاره در بین مردم می‌دید (همان).

آیت‌الله سیدعلی محقق‌داماد نیز معتقدند در همه کارها و مناصب خلوص و قصد قربت و اخلاص ایشان در کار بود و هر کاری از دستش برمی‌آمد، بدون چشم‌داشت انجام می‌داد. او هیچ حقوقی از دانشگاه نمی‌گرفت و مخارج زندگی ایشان از درآمدهای شخصی خودشان تأمین می‌شد. در پرتو اخلاص ایشان شاگردان بسیاری تربیت شدند که امروز منشأ خیرند و خود را وامدار او می‌دانند (همان، ص ۴۰). سیره رفتاری مخلصانه ایشان مشهور است^۱.

با آن‌که مسجد الغدير از ثلث مال برادر و با ابتکار او ساخته شده بود، وقتی فهمید قصد دارند نامش را زنده نگه دارند، قاطعانه مخالفت کرد و بر نام «الغدير» تأکید نمود (همان، ص ۱۱۱). همچنین با وجود موافقت مسئولان وزارت علوم و درخواست آیت‌الله سبحانی، اجازه نداد نام او بر کتابخانه مرکزی دانشگاه قم گذاشته شود (همان، ص ۱۳۷). ایشان از نوادر اهل اخلاص بود؛ از هرگونه شهرت‌طلبی و جلوه‌گری می‌گریخت، از زرق و برق دوربین فراری بود و به القاب و تعارفات راضی نمی‌شد و ترجیح می‌داد به‌جای ستایش، تنها سخن نیاز و درخواست مردم را بشنود (همان، ص ۱۳۶).

دکتر مصطفی‌محبوبی، از پزشکان مجرب خرم‌آباد، نقل می‌کرد که پیش از انقلاب، آقای قاضی به او سفارش کرده بود هر بیماری را که توان مالی ندارد، به‌هزینه خود ایشان ویزیت، درمان و حتی جراحی کند و سپس هزینه را از وی بگیرد.

^۱ ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار، صص ۷۰ و ۲۲۷-۲۴۷

دکتر محجوبی می‌گفت بارها بیماران را به خرج او درمان کرده و حتی خانواده‌آقای قاضی از این کار خیر بی‌خبر بودند، زیرا ایشان تأکید کرده بود کسی مطلع نشود و این موضوع بعد رحلت ایشان نقل شد (همان، ص ۳۶۷).

با وجود عمری تلاش خستگی‌ناپذیر، ایشان هیچ‌گونه انتظار مادی یا حتی وصیتی درباره محل دفن نداشتند. در حالی که خانواده در تدارک دفن ایشان در گلزار شهدا بود، به دستور مقام معظم رهبری پاداشی ارزشمند نصیبشان شد و در جوار کریمه اهل بیت به خاک سپرده شدند. امام خمینی علیه السلام ایشان را با تعبیر ذی شرافت «جناب مستطاب ثقه الاسلام» مورد خطاب قرار داده و از تلاش‌هایشان در اعلاء کلمه اسلام و مسائل مذهبی قدردانی کرده‌اند و برایشان توفیق خدمت بیشتر به اسلام و مسلمین و تهذیب اخلاق جامعه بوسیله موسسات فرهنگی اسلامی آرزو نموده‌اند (همان، ص ۳۸۷) که نشان ارزشمندی ایشان در نگاه بنیادگذار جمهوری اسلامی دارد.

۳. ابعاد ابتکار خدمات اجتماعی

آیت‌الله قاضی خستگی‌ناپذیر در سراسر عمر پر برکت خود، خدمات اجتماعی را با تکیه بر سه اصل «نیازشناسی»، «خدمت‌محوری» و «زمانه‌فهمی» بنیان نهاد و توانست در حوزه‌های تربیتی، عمرانی، اجتماعی و مدیریتی، نهادها و ساختارهایی ماندگار پدید آورد. ایشان جامع خلاقیت در ایده‌سازی و تئوری‌پردازی ذهنی، و توانا در میدان اجرا و عمل بودند که شخصیت ایشان را کم‌نظیر می‌سازد (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹).

ایشان حافظه بسیار خوبی داشتند و به قول برخی بزرگان ایشان اگر با این استعداد و حافظه، تنها متمرکز به درس بودند، به اجتهاد می‌رسیدند (همان، ص ۱۰۴-۶۰) اما ایشان در کنار درس، خدمات اجتماعی برای نیاز مردم را اولویت می‌دانست. (همان، ص ۱۰۴). نقلی مشهور از حضرت آیت‌الله العظمی فاضل‌لنکرانی است که ایشان می‌فرمایند:

«من پنجاه سال است دارم اسلام می‌خوانم؛ بگذار خلاصه‌اش را برایت بگویم: واجبات را انجام بده، به جای مستحبات، تا می‌توانی به کار مردم برس؛ کار مردم را راه بینداز، اگر قیامت کسی از تو سوال کرد، بگو فاضل گفته بود».

هرجا خلأیی در زندگی مردم یا بن‌بستی در سامان امور عمومی می‌دید، پیش از دیگران آن را تشخیص می‌داد و بی‌درنگ برای رفع آن اقدام می‌کرد؛ دایره فعالیت خدمات اجتماعی ایشان نشان می‌دهد محدود و منتظر به ابزار و بودجه و اجازه یا تکلیف اداری و سازمانی نبود، بلکه خودجوش و برخاسته از روحیه‌ای مردمی و الهی در پیش و پس از انقلاب اسلامی همواره و مستمر خدماتی بزرگی انجام دادند. از همین نگاه بود که بسیاری از نیازهای اجتماعی - از زیرساخت‌های شهری مانند راه‌اندازی برق شهری، شهرک‌سازی و توسعه شهری، تا خدمات فرهنگی و عام‌المنفعه مانند مجتمع فاطمیه، حوزه علمیه کمالوند، دبیرستان علوی و مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب و... به دست توانمند او رونق گرفت و مسیرهای تازه‌ای در اداره جامعه گشوده شد. و در بیان امام جامعه به «دانایی و توانایی، پرتلاش و مبتکر، تلاش خستگی‌ناپذیر، فداکاری در پیش و پسا انقلاب اسلامی» ستوده شدند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۷). اکنون با همین رویکرد، به مهم‌ترین

ابتکارات او در حوزه خدمات اجتماعی می‌پردازیم و سپس به بررسی ویژگی‌های شخصیتی این روحانی عالیقدر در خدمات اجتماعی می‌پردازیم:

۱-۳-۱. فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی ایشان

۱-۳-۱.۱. نهادهای علمی و تربیتی مبتنی بر رویکرد نیازمحور و آینده‌نگر:

آیت‌الله قاضی در برابر نیازهای فوری کشور به نیروهای علمی و متعهد، به جای اقدامات مقطعی، به تأسیس نهادهای پایدار روی آورد. تأسیس مجتمع فاطمیه خرم‌آباد برای تربیت معرفتی بانوان، مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب - برای رفع خلأ قضات متعهد و معلمان کارآمد - نمونه روشن این جهت‌گیری است. تبدیل این مراکز به دانشگاه قم نیز پاسخی به نیاز رو به رشد کشور به تربیت مدیران و کارگزاران متدین بود. این اقدامات نشان می‌دهد که ایشان «تربیت» را نه یک برنامه جانبی، بلکه راهبرد اصلی ساخت آینده جامعه می‌دانست.

۱-۳-۲. خدمات عمرانی و اقتصادی مبتنی بر حل مسئله و رفاه عمومی

در حوزه عمرانی و معیشتی، شیوه عمل آیت‌الله قاضی مبتنی بر تشخیص نیازهای واقعی و ورود مستقیم برای رفع آن‌ها بود. احیای کارخانه آرد امید، راه‌اندازی کارخانه برق شهری خرم‌آباد، و ایجاد شهرک مسکونی قاضی‌آباد برای خانه‌دارکردن اقشار محروم و ضعیف، و توسعه مراکز عبادی مانند مسجد الغدير خرم‌آباد، کمک به ساخت دانشگاه لرستان و برپایی بنای عظیم دانشگاه جامع قم از مصادیق برجسته این رویکرد است. این فعالیت‌ها نه تنها گره‌های فوری مردم را گشود، بلکه زیرساخت‌هایی ماندگار برای توسعه منطقه و کشور ایجاد کرد.^۱ روحیه خدمات عمرانی و اقتصادی ایشان یادگار ماندگاری از اجداد و پدر بزرگوارشان بوده است (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۷۴-۷۶).

این فعالیت‌ها هیچ‌گاه رنگ سودجویی نداشت؛ زیرا پیش از انقلاب مبارزه آشکار ایشان با رژیم پهلوی فرصت امنیت اقتصادی را از او می‌گرفت، و اگر طالب منفعت بود هرگز وارد تقابل با حاکمیت نمی‌شد. پس از انقلاب نیز همان‌گونه که خدمات سی‌ساله‌اش در دانشگاه قم نشان داد، کار را نه راه درآمد، بلکه تکلیف الهی می‌دید و بدون دریافت ریالی، تا پای جان خدمت می‌کرد (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، صص ۱۷۱-۱۷۲). از این رو خدمت عمرانی برای او نه فعالیت اقتصادی، بلکه عبادت و مسئولیت الهی در هر زمانی بود.

۱-۳-۳. فعالیت‌های اجتماعی - مردمی مبتنی بر خدمت و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

آیت‌الله قاضی در کنار مسئولیت‌های رسمی، فعالیت گسترده‌ای در رفع مشکلات اجتماعی مردم داشت. رسیدگی به وضعیت زندانیان و خانواده آنان، تلاش برای آزادی افراد بی‌گناه و تشکیل کمیته‌های مردمی برای حل مسائل معیشتی، و کمک‌های شخصی و بی‌منت خود به نیازمندان بخشی از اقداماتی است که نشان‌دهنده اولویت او به «کرامت انسان» است.^۲ کمک‌های بی‌نام و بی‌هیاهوی او در این زمینه، چهره‌ای از او ترسیم می‌کند که بیش از آنکه مدیر باشد، خادم بی‌ادعا و پناه مردم بود.

^۱ ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار، صص ۲۷ و ۳۹ و ۷۰ و ۲۴۶ و ۲۶۱ و ۷۶ و ۸۰ و ۸۲ و

^۲ ر.ک: همان، صص ۵۶ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۱۰۴

۴-۳-۱. نقش آفرینی مدیریتی و سیاسی مبتنی بر رینش اجتماعی و تشخیص مقتضیات زمان

ورود آیت الله قاضی به عرصه های سیاسی و مدیریتی، نه از سر میل به قدرت، بلکه از تشخیص ضرورت های جامعه بود. تأسیس روزنامه صدای لرستان برای مبارزه با رژیم شاهنشاهی، تشکیل کمیته انقلاب در خرم آباد، نمایندگی و وکالت تام حضرت امام خمینی علیه السلام در استان لرستان، سازماندهی امور نخستین سال های انقلاب از جمله کمیته حل مشکلات مردم، کمک و حمایت در تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، حضور در هیأت عفو و نیز ساماندهی امور قضایی، و حضور در رأس شورای عالی قضایی طلاب، عرصه هایی است که او در آن ها با تصمیم های به موقع و شجاعانه، نقش موثری در تثبیت نظم عمومی و حمایت از مردم ایفا کرد. عملکرد او نشان می دهد که مدیریت برای او «تکلیف» بود، نه امتیاز^۱.

۲-۳. برخی ویژگی های شخصیتی ایشان در خدمات اجتماعی

شخصیت اجتماعی آیت الله قاضی تلفیقی از خستگی ناپذیری، ابتکار، مدیریت قوی در انجام کارهای بزرگ، ایثارگری، درک زمانه و پرهیز از تظاهر بود که به ایشان امکان داد خدمات ماندگار و اثرگذار در حوزه های علمی، فرهنگی، عمرانی و اجتماعی به جامعه ارائه دهد. این ویژگی ها نه تنها باعث توسعه و آبادانی مناطق محروم شد، بلکه الگویی جامع از خدمت اجتماعی مبتنی بر اخلاق، تعهد و مسئولیت الهی برای نسل های بعدی به جای گذاشت. برای نمونه آیت الله مکارم شیرازی می فرمودند: در هرکاری وارد می شد، می توانست آن کار را اداره کند و توسعه دهد... از امتیازات ایشان این بود که به دنبال انجام کارهای بزرگ بود و به انجام کارهای کوچک قانع نبود... از توان اداره و کارهای او بیشتر با علو فکر و همت شان آشنا شدم (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۳-۲۴). همو فرمود: از خصوصیات آقای قاضی پرکاری شان بود که از کار خسته نمی شدند؛ خودشان یک بار به من گفتند: «در مغز من رگی هست که نمی گذارد من خاموش باشم و بنشینم و دائم این رگ مرا تحریک می کند» (همان، ص ۲۵ و ۹۲). لذا از ایشان نقل است که در اواخر عمر با وجود بیماری می فرمودند: «اگر به من امکانات بدهند کارخانه بزرگ خودروسازی احداث می کنم» (همان، ص ۹۲). رهبری در تشریح آیه الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا^۲ (احزاب، ۳۹/۳۳) برای فضلا، روحانیون و طلاب می فرماید: در راه تبلیغ الهی همگام با پیامبران علیهم السلام «بروید سراغ کارهای نشدنی تا بشود، تصمیم بگیرید بر برداشتن کارهای سنگین، تا بردارید» و از هیچ چیز نهراسید و خدا را فراموش نکنید که خدا حسابت را دارد (رهبری، بیانات، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

به شهادت و نقل یکی از ملازمان آیت الله قاضی؛ جناب استاد حجت الاسلام والمسلمین دکتر ذبیحی، تأسیس مدرسه عالی تربیتی قضایی طلاب قم در آغاز با چند قلم و دفتر و یک اتاق کرایه ای شروع شد و با انبوهی از کمبودها، مشکلات

^۱ ر.ک: ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار.

^۲ (پیامبران علیهم السلام) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است!

و موانع جدی زیرساختی و حاکمیتی مواجه بود. در جلسات متعدد بررسی مشکلات و بیان دغدغه‌ها، آیت الله قاضی می‌فرمودند: «اینها مشکلی نیست که حل نشود... با اتکال به خداوند و همکاری یکدیگر، موانع پیش‌رو به زودی برطرف خواهد شد». از سوی دیگر، این انسان عامل، مصمم و مرد روزهای سخت و بنیان‌گذاری بزرگ، در مواجهه با برخی خواسته‌های بزرگ اما دور از واقعیت و میدان عمل، با همان حوصله و متانتی که شیوه بزرگان است، پدرا نه ضمن استماع درخواست‌ها می‌فرمودند: «ایده ارائه دادن و سخن گفتن آسان است، بیایید عمل کنید». «بیایید» در کلام و اراده ایشان، درخواست واقعی برای پیشبرد اهداف الهی بود. لذا در محیط صمیمی‌تر اداری توصیه می‌کردند: حرف زدن و انتقاد کردن، خارج گود ایستادن و فرمان دادن کار دشواری نیست؛ اگر به راستی به آنچه می‌گویید باور دارید، این گوی و میدان است؛ وارد عمل شوید (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹). این توصیه از مردی دانا در اندیشه و توانا در عمل با سوابقی درخشان، صمیمانه مورد پذیرش بود و عاملی مؤثر برای حرکت می‌شد. از این‌رو، در نظر مبارک ولی امر مسلمین، به «روحانی دانا و توانا» ستوده شدند.

رهبری حکیم انقلاب اسلامی، وظیفه امروز روحانیت را مضاعف می‌دانند (همان). آیت الله قاضی نیز از ابتدای انقلاب اسلامی به این باور رسیده بودند که وظیفه روحانیت در انقلاب اسلامی سنگین و خطیر است. به نقل از استاد ذبیحی، آیت الله قاضی روزی از سر اضطرار و ناچاری جمله‌ای فرمودند که برآمده از سیره رفتاری ایشان بود و چنان تأثیرگذار بود که موجب تغییر مسیر بنده در تمامی عمر و علت مهاجرت و خدمت در قم شده است. آیت الله قاضی فرمودند:

«من هم مثل دیگران می‌توانستم محفل درس و جلسه مباحثه‌ای داشته باشم. و ضمن یادآوری مختصر سوابق تحصیلی و داشتن موقعیت‌های ممتاز سیاسی و اجتماعی و حتی مالی، گفتند: اگر می‌بینید امروز به عرصه اجرایی ورود کرده‌ام، برای این است که احساس می‌کنم وظیفه روحانیت خطیر و سنگین است؛ انقلابی با این عظمت و بزرگی شکل گرفته و روحانیت، چه بخواهند و چه نخواهند، به عنوان مسئول شناخته می‌شوند؛ این است که می‌بایست همه با هم صادقانه به جامعه، به ویژه حوزه و دانشگاه، خدمت کنیم» (همان، ص ۱۳۰).

استاد ذبیحی همچنین معتقدند: انسان در دیدار با ایشان مجذوب رفتار متواضعانه و اخلاق کریمانه ایشان می‌شد و برداشت‌ها از مشی رفتاری ایشان، نمایانگر انسانی مصمم به خدمت و شیفته سربلندی ملت و کشور بود (همان، ص ۱۲۸).

از این رو آیت الله سبحانی در این زمینه و درباره ایشان فرمودند: «او مرد علم و تدبیر و خدمت بود. آن گونه نبود که در خانه بنشیند یا در مدرسه درس بگوید؛ بلکه به کارهای دیگر نیز می‌رسید تا بتواند بگوید علما در قلب اجتماعند و دور از اجتماع نیستند» (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

از رموز موفقیت ایشان در راهبری امور درسی و مدیریت حوزه و دانشگاه، نظم بود. ایشان ضمن توصیه به نظم فکری می‌فرمودند: هنگام حضور در دانشگاه، همه توجه خود را به امور دانشگاه معطوف می‌کنم و پس از آن، ذهنم را صرف کارهای حوزه و دیگر مسئولیت‌ها می‌کنم و به دانشگاه فکر نمی‌کنم (همان، ص ۲۹۹).

در اندیشه قرآن، همه چیز بر پایه نظم و حساب دقیق آفریده شده است (قمر، ۴۹/۵۴)، عبادت مهمی چون نماز در زمان مشخص و معین مقرر شده (نساء: ۱۰۳/۴)، و مؤمنان نیز از کارهای بیهوده و بی هدف دوری می کنند (مومنون، ۳/۲۳). این آموزه ها پیام روشن قرآن درباره زمان شناسی، مسئولیت پذیری و ضرورت برنامه ریزی در زندگی را نشان می دهد؛ زیرا هر کاری زمان خاص خود را دارد و انجام درست آن مستلزم نظم، دقت و مدیریت صحیح است.

آیت الله قاضی در ایام راهبری دانشگاه قم هیچ گاه کمبود بودجه، و یا تقلیل بودجه، امکانات یا مشکلات اجرایی، از جمله ناملازمات زیردستان و محدودیت منابع، او را مأیوس یا متوقف نمی کرد. او همواره به حرکت ادامه می داد و با پایداری و استواری مثال زدنی، همچون کوهی ثابت در برابر طوفان ها، مسئولیت های سنگین خود را به پیش می برد. مدیریت سی ساله ایشان در دانشگاه قم با تأییدات ارزشمند جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مهر تأییدی بر خدمات ایشان است (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۲۵ و ۲۷ و ۳۸ و ۷۰).

خدمات مستمر، گسترده و فراوان این روحانی عالیقدر و با اخلاص، تجلی اوصاف یاران رسول الله ﷺ مبنی بر ستیز و شدت با دشمنان الهی و یاری گر و مهربان مؤمنان و مظلوم و آسیب دیدگان است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند... (فتح: ۲۹/۴۸). امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در سفارش به حسنین علیه السلام می فرماید: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» سیر زندگی ایشان از دوران پیش از انقلاب و مبارزه با رژیم ستم شاهی تا دوران مبارک انقلاب اسلامی، ترسیم این آموزه های راهبردی دین است. و به تعبیر صاحب المیزان ذیل آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹/۲۹)؛ افرادی که جهادشان در اعتقاد و عمل برای خدا باشد، مشمول رحمت هدایت به راه الهی می شوند که راه ویژه نیکوکاران است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۱۵۱). و آیت الله قاضی هدایت یافته به راه الهی بودند.

از برکات وجودی ایشان، آثار و باقی الصالحات اعمال و خدمات فراوان است. حضرت آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می فرماید: «ان شاء الله آثاری که از این مرد وارسته باقی مانده هم چنان بدرخشد» (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). آیت الله سبحانی نیز خدمات ایشان را از مصادیق باقیات الصالحات بر شمرده و فرمودند: «حضرت آیت الله قاضی از بیت علم و تقوا برخاسته و پس از تحصیل مراتب عالی دانش و اخلاق، عمر خویش را یکسره به انجام خدمات علمی و اجتماعی دینی گذراند و زندگی پر بار او مصداق آیه شریفه «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» است» (کشف، ۴۶/۱۸).

^۱ پیوسته دشمن (در ستیز با) ظالم و یاور مظلوم باشید.

^۲ و آن ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

^۳ و باقیات صالحات [= ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است!

و همچنین طبق آیه شریفه ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس، ۱۲/۳۶) و به مضمون تفسیر المیزان، خداوند تنها اعمالی را که انسان در حیاتش انجام داده ثبت نمی‌کند، بلکه آثار ماندگار آن اعمال را پس از مرگ او نیز محاسبه می‌نماید. این آثار شامل هر سنت نیک یا بدی است که انسان پایه‌گذاری کرده و پس از او جریان دارد؛ مانند علمی که به جا گذاشته، مرکزی علمی یا دینی که بنا کرده، شاگردانی که تربیت نموده، یا حتی مسیری از گمراهی و فساد که ایجاد کرده است. این آثار (و باقی الصالحات) تا زمانی که اثر آن در جامعه باقی است، در نامه عمل او ثبت می‌شود و پاداش یا عقاب آن ادامه خواهد داشت (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۷، ص ۶۶-۶۷).

۴. ابعاد بینشی و دوراندیشی

یکی از ویژگی‌های برجسته آیت‌الله قاضی، دوراندیشی کم‌نظیر و مبتکرانه ایشان بود. در برنامه‌ریزی‌ها ۵۰ سال، بلکه ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال آینده را مد نظر داشتند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶). این نگاه بلندمدت، در سیره علمی و مدیریتی ایشان نمود داشت و باعث می‌شد تصمیماتشان، همواره پاسخگوی نیازهای نسل‌های آینده باشد. برای نمونه وقتی به ایشان گفته شد با وجود حدود ۸۵۰ دانشجوی استفاده محدود از کتابخانه، چرا اهتمام خاصی به افزایش منابع آن دارید، پاسخ دادند: «من آینده را می‌بینم؛ روزی هزاران دانشجو در رشته‌های مختلف اینجا (دانشگاه قم) تحصیل خواهند کرد» این گفت‌وگو نشان‌دهنده نگرش آینده‌نگرانه و اهتمام به زیرساخت‌های علمی پایدار بود.

به اختصار می‌توان دوراندیشی در سیره ایشان را در دو عنوان، شامل خط محوری تربیت نیروی مؤمن و کارآمد مبتنی بر نیازها، و نیز در اهتمام به اوضاع بانوان ارائه کرد:

۴-۱. خط محوری تربیت نیروی مؤمن و کارآمد مبتنی بر نیازها

اگر تمامی دوران حیات پیرمتر آیت‌الله قاضی را بررسی کنیم، یک خط محوری روشن در تمامی اقدامات و سیره عملی او بارز، اصیل و پیوسته است: دغدغه تربیتی برای پرورش انسان‌های مؤمن، عالم و خدمتگزار. چه در دوران پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، همه فعالیت‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی ایشان اعم از بنیانگذاری مجتمع فاطمیه خواهران، اداره حوزه علمیه کمالوند به دستور امام خمینی رحمه‌الله، دبیرستان علوی خرم‌آباد و مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب تا دانشگاه جامع قم در مسیر پرورش نیروهای متعهد و کارآمد قرار داشت. این خط محوری، ترکیبی از آموزش علمی، پرورش اخلاق و تقوا و آماده‌سازی نیرو برای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی بود. یکی از ویژگی‌های کم‌نظیری که در سیره ایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته و با کلیدواژه رهبری^۲ جلوه‌گر و قابل الهام می‌شود، این است که این خط محوری در تمام دوره‌ها - چه پیش از انقلاب اسلامی با وجود موانعی چون کمبودها و حاکمیت شاهنشاهی و چه پس از آن با

^۱ به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم!

^۲ خدمات برجسته این روحانی پرتلاش و مبتکر چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری اسلامی، از ایشان، شخصیتی کم‌نظیر در جامعه روحانیت و حوزه‌های علمیه پدید آورده بود و درگذشت ایشان، فقدانی تأسفبار است (پیام تسلیت رهبری در پی رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی، ۱۳۸۸/۰۹/۰۵).

وجود محدودیت‌ها و نارسایی‌های متعدد - دچار گسست نشد و با گذر از زمان و مکان، پیوسته تداوم یافت. این استمرار نشان می‌دهد که الگوی رفتاری ایشان در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه خدمات تربیتی، مبتنی بر تکلیف‌محوری و برخاسته از عزم و اراده‌ای پولادین در تحقق اراده توانستن بوده است. آیت‌الله قاضی هر برنامه و پروژه‌ای را با نگاه به آینده و با هدف پرورش نسل‌هایی توانمند و مؤمن و از همه مهم‌تر مبتنی بر نیازمندی بنیان می‌کرد؛ نسلی که نه تنها علم را فراگیرد، بلکه اهل تدبّر، اخلاق و تعهد باشد و بتواند بار مسئولیت جامعه اسلامی را بر دوش گیرد.

آیت‌الله سبحانی درباره تأسیس دبیرستان علوی می‌فرماید: آیت‌الله قاضی با الگوبرداری از دبیرستان عالی علوی تهران، در خرم‌آباد با در نظر گرفتن معنویت و روحانیت، مدرسه‌ای تأسیس کرد تا جوانانی متدین، عالم و متقی بار آیند (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۷؛ ر.ک: همان، صص ۵۳ و ۴۹). اصول آموزش در آن مدرسه فقط اسلام و دین بود و برنامه‌های آموزشی و تربیتی خاصی داشت که در آن نیروهای مؤمن و انقلابی تربیت می‌شدند و حاضر به قبول دستورات رژیم شاهنشاهی درباره عموم مدارس، از جمله نصب عکس شاه، شرکت دانش‌آموزان در رژه جشن‌های شاهنشاهی نبودند و تأثیر و خروجی آن چنان بود که پس از سه سال، به پیشنهاد پرویز ثابتی، از مهم‌ترین عناصر ساواک، مدرسه تعطیل شد.^۱ همواره نقش ایشان در راهبری دانشگاه قم نیز تأکید می‌کند که مدیریت علمی و اخلاقی دقیق ایشان، موجب رشد علمی و اخلاقی دانشجویان بود؛ زیرا علم، موتور، و اخلاق یک نوع ترمز است. باید هر دو را موازنه کنیم و آقای قاضی چنین بود (همان، ص ۲۹).

وجود دغدغه تربیتی ایشان، مبتنی بر توجه دقیق به نیازهای جامعه، شخصیتی ولایت‌مدار و خادم اسلام در ایشان شکل داده بود. شخصیت ایشان خدمتگزاری با اولویتی همچون هدف انبیاء و اوصیاء برای خدمت در عرصه تربیت و فرهنگ بود؛ یعنی انسان‌سازی برای اداره جامعه اسلامی. از سویی هر انقلابی در ذات خود همراه با تغییر و تحول است و انقلاب اسلامی نیز پس از تأسیس، باید به سرعت تبدیل به انقلاب مستقر می‌شد و این مهم جز در پرتوی تربیت نیروهای کارآمدی که از تعهد و تخصص برخوردارند، امکان‌پذیر نبود (ر.ک: همان، ص ۱۶۲). رهبری معظم انقلاب اسلامی درباره جایگاه راهبردی نیروی انسانی می‌فرماید: «مدیریت و نیروی انسانی خوب معجزه می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸). از این‌رو در پی نیاز مبرم به تربیت قضات و معلمان آموزش و پرورش، با عزم و اراده الهی و تأیید شهیدان بهشتی و باهنر، مرکزی به نام مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب بنیان گذاشت تا نیروی انسانی مورد نیاز این دو نهاد راهبردی را تربیت کند. و پس از برطرف شدن نیاز نسبی، این مرکز را برای تربیت کارگزاران، مدیران و عناصر اداره کشور به دانشگاه جامع قم ارتقاء داد. آیت‌الله مقتدایی در وصف اثر این دانشگاه می‌فرماید: «ایشان افرادی را در دانشگاه قم تربیت کرد که پس از فارغ‌التحصیلی به هر جا که بروند مایه ایمانی و تقوایی در آن‌ها وجود دارد. عیناً دانشجویان را همانند طلاب حوزه علمیه با معنویت تربیت می‌کرد» (همان، ص ۵۳). سیره عملی و مدیریتی ایشان در حوزه علم، تربیت و فرهنگ، نشان‌دهنده

^۱ ر.ک: قاضی، مهدی، تجلی اخلاص و ایثار، صص ۷۴-۸۸ و ۸۹-۱۰۹ و ۱۶۵-۱۶۶.

توانمندی ویژه ایشان در جذب و پرورش نیروهای جوان بود؛ او افراد خام و بالقوه را تربیت می‌کرد و تنها در موارد ضروری، مانند تدریس، از نیروهای مجرب بهره می‌برد (همان، ص ۳۶۰).

سیره عملی ایشان در تجلی آیات قرآن گویای دو موضوع است: یکی اینکه ایشان با ایجاد مراکز تولید علم، و خط تربیتی، بستر ساز فراگیری علم و تفقه در دین برای انداز قوم مبتنی بر دستور قرآن در آیه ۱۲۲ سوره توبه بوده‌اند.^۱ دیگر اینکه سیره عملی و تربیت محور آیت‌الله قاضی در راستای اهداف انبیاء است؛ زیرا هدف انبیا تنها پرورش فردی نبوده، بلکه تربیت معلمان و مربیان، مصلحان و رهبران اجتماعی بوده است؛ که بتوانند محیطی را با علم و ایمان خود روشن سازند (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۶۳۳-۶۳۴). بر همین اساس، مقام معظم رهبری در تبیین رسالت انبیای الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام به روشنی چنین می‌فرمایند:

«نه امام جعفر صادق علیه‌السلام، نه جدّش پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نه همه انبیای عالم علیهم‌السلام، روش‌شان این روش‌ها نبوده؛ مدرسه‌سازی و موعظه‌کاری و تربیت فردی، کار انبیا نیست. انبیا فقط یک پاسخ دارند به این سؤال که چگونه می‌توان انسان‌ها را ساخت؟ چگونه می‌توان انسان‌ها را بر طبق الگوهای صحیح الهی تربیت کرد؟ یک جواب دارند؛ آن جواب این است: انبیا می‌گویند برای ساختن انسان، باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود پروراند، تربیت کرد و بس. انبیا می‌گویند دانه دانه نمی‌شود قالب گرفت، کارخانه باید درست کرد. انبیا می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم‌ها را درست کنیم، شب می‌شود و عمر می‌گذرد؛ جامعه لازم است، نظامی لازم است؛ باید در یک نظام، انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس، فقط همین است و بس» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۸۷).

ایشان نیز در راستای هدف انبیاء به ساخت «محیط» و «جریان تربیتی» می‌اندیشید، نه تربیت‌های جزیره‌ای. نمونه روشن آن، تربیت نسلی از جوانان خرم‌آباد در سخت‌ترین دوران‌ها در محیط‌سازی دبیرستان علوی بود؛ «چقدر موثر بود که در خانه رئیس ساواک، پسرش ضد (تفکر و راه) پدرش باشد و....» (قاضی، ۱۳۸۸، صص ۸۸-۸۹ و ۱۰۹) این که انسانی در آن فضای بحرانی چنین نیروهای مکتبی تربیت کند، تنها از اولیای خدا بر می‌آید. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی که ایشان را با عنوان «روحانی عالی‌قدری با تلاش خستگی‌ناپذیر و فداکارانه» ستودند، می‌توان گفت آیت‌الله قاضی در مسیر تربیت و تعالی نیروهای خدمتگزار برای نظام اسلامی تا آخرین روزهای حیاتشان که مقارن با بیماری سخت کلیوی بود، همچون شمعی سوختند و آب شدند. از این رو برخی از بزرگان مانند آیت‌الله شاهرخی معتقدند: ایشان پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی را سرلوحه کار خود قرار داده و شاید پس از مراجع بزرگوار تقلید، بتوان از ایشان بعنوان تأثیرگذارترین فرد در عرصه خدمات علمی و فرهنگی در استان نام برد.

۴-۲. اهتمام به اوضاع بانوان

^۱ «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (توبه، ۱۲۲/۹)

پیش از انقلاب، اوضاع حجاب در خرم‌آباد نگران‌کننده شده بود و نیاز به اقدامی جدی احساس می‌شد. در این شرایط، آیت‌الله قاضی با همت و دوراندیشی، طرح تأسیس مجتمع فاطیمه را با تأییدات حضراتی همچون شهید مدنی و آیت‌الله سبحانی پی گرفت؛ اقدامی که مسیر فرهنگ‌سازی دینی در شهر را دگرگون ساخت. مرجع عالیقدر آیت‌الله سبحانی در شرح آن مقطع می‌فرماید که وضعیت حجاب «بسیار ناگوار» بود و زنان پایگاهی برای آموزش و پشتیبانی نداشتند. با پیشنهاد بنده مبنی بر تشکیل جلسات هفتگی برای بانوان، این حرکت آغاز شد و سپس به تشکیل مجتمع فاطیمه انجامید؛ مجموعه‌ای که به عنوان «پناهگاه زنان و دختران»، در زمانی کوتاه بنا شد و تحولی چشمگیر در تغییر وضعیت حجاب شهر پدید آورد (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۷؛ ر.ک: همان، ص ۳۴۴).

۱-۲-۴. ابتکار تفکیک محیط آموزشی میان خواهران و برادران در دانشگاه قم

از دغدغه‌های اساسی نظام اسلامی، فراهم‌سازی محیطی امن، شایسته و متناسب با کرامت زن مسلمان در عرصه‌های علمی مبنی بر تأمین نیازهای تخصصی در حوزه زنان است. زنان در نگاه دینی نه در حاشیه، بلکه وجودی انسان‌ساز و محور رشد فرهنگی جامعه‌اند.

قرآن کریم برای هدایت انسان، شامل هر زن و مرد می‌شود و تربیت را متوجه روح انسانی می‌داند؛ روحی که فارغ از تأنیث و تذکیر حقیقت تعلیم‌پذیری دارد؛ مقامات علمی انسان مربوط به انسانیت اوست و اختصاص به مرد و زن ندارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳؛ جوادی‌آملی، ۱۳۷۶، ص ۷۱ و ۱۲۶).

امام خمینی رحمته‌الله با بیانی عمیق، نقش زن را فراتر از یک کُنشگر اجتماعی، تا جایگاه «مربی جامعه» و «مبدأ همه سعادت‌ها» «مظهر تحقق آمال بشر»، «پرورش دهنده مرد و زن» می‌داند و می‌فرماید: «زنانی که در گذشته از همه چیز محروم بودند، امروز با حفظ موازین شرعی وارد صحنه شده‌اند... زن، انسان‌ساز است؛ دامن او محل تربیت بزرگ‌مردان و بزرگ‌زنان است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، صص ۳۳۸-۳۴۲؛ ر.ک: همان، ج ۶، صص ۲۹۹-۳۰۰). ایشان همچنین می‌فرمایند: ما مفتخریم که بانوان، هم‌دوش یا بهتر از مردان، در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن فعالیت دارند و خود را از محرومیت‌ها و خرافاتی که به دست ناآگاهان پدید آمد، رها ندهند (همان، ج ۱، صص ۳۹۷-۳۹۸).

در چنین منظومه فکری، بدیهی است که تأمین محیطی امن، آرام، دارای تمرکز علمی، و به دور از تشش و آفات روشن مختلط، نقش مهمی در شکوفایی استعدادها و بانوان دارد. از همین رو ابتکار آیت‌الله قاضی در تفکیک ساختاری و علمی خواهران و برادران در دانشگاه قم، اقدامی روشمند، آینده‌نگر و مبتنی بر مبانی دینی بود؛ ابتکاری که آرزوی دیرین علمای دین و بزرگان را بر مبنای حفظ موازین شرعی تحقق بخشید؛ فضایی با شرایط ممتاز، امن و شایسته برای رشد علمی بانوان با کم‌نمودن ارتباط با نامحرم و به حدّ ضرورت بسنده کردن، فراهم آورد. فرصت‌های برابر را تقویت نمود و الگویی موفق

از «فعلِ توانستن» برای مراکز علمی، به‌ویژه دانشگاه‌های جامع کشور، پدید آورد. تدبیر ایشان اواخر دهه ۶۰ گره‌گشای مشکلاتی بود که بسیاری از مراکز علمی ایران و جهان هنوز در تحقق آن ناکام‌اند یا تنها آرزوی آن را دارند.

ابتکار آیت‌الله قاضی با حمایت جدی مراجع و بزرگان همراه شد. آیت‌الله سبحانی با تأکید بر پیامدهای منفی محیط‌های مختلط می‌گویند: «وقتی خواهران و برادران در مراکز جداگانه باشند، بسیاری از آفات از میان می‌رود؛ ما به اولیاء امور مکرر می‌گوییم اگر می‌خواهید جوانان اصلاح شوند، دانشگاه را اصلاح کنید؛ اختلاط، خرمن ایمان جوانان را می‌سوزاند» (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۷). این سیاست، تنها یک نظر و ایده نبود؛ بلکه در ساختار نخستین دانشگاه جامع کشور، در سطوح دانشجو، ساختمان و کادر اداری و حتی کتابخانه اختصاصی تحقق یافت و به الگویی موفق در ایران و جهان اسلام تبدیل شد (همان، ص ۳۶۸). از توصیه‌های ایشان به مدیران این بود همواره در رعایت احتیاط و حفظ حریم با بانوان کوتاهی نکنند و خودش در این جهت دقت زیادی داشتند. (همان، ص ۲۱۸-۲۱۹). آرزوی ایشان بود که زنان مستعد مسلمان با حفظ وظایف مادر و همسری، در رشته‌های تخصصی در محیطی امن و سالم، تعلیم و مهارت یابند و نیازهای تخصصی زنان در جامعه اسلامی را تأمین کنند و همگی مادرانی عالم برای ایران اسلامی باشند. زیرا طبق دستورات قرآنی هیچ فعالیت بیرون از منزل، چه آموزشی و چه شغلی و غیره نباید نقش همسری و مادری را به خطر بیاندازد (ر.ک: روم: ۲۱/۳۰؛ اعراف: ۱۸۹/۷).

این حُسن تدبیر، افزون بر پشتوانه دینی، امروز از سوی صاحب‌نظران شرق و غرب نیز تأیید شده است؛ زیرا جداسازی محیط آموزشی، آرامش روانی و تمرکز علمی را افزایش داده و حواس‌پرتی، تنش‌های رفتاری و ناهنجاری‌ها را کاهش می‌دهد (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۳). از این‌رو آیینۀ آمارهای داخلی تا سال ۱۳۸۸ نیز نتایجی از جمله کاهش چشمگیر تخلفات دانشجویی، معدل چشمگیر دختران، افزایش قابل توجه قبولی در مقاطع ارشد و دکتری، و رشد کم‌نظیر ازدواج دانشجویی را دانشگاه قم نشان می‌دهد (همان، ص ۲۷۵ و ۱۱۴). همین موفقیت‌ها موجب شد رئیس جمهور وقت ضمن بازدید از دانشگاه در سال ۱۳۸۷، دانشگاه قم را «رتبه اول اخلاقی کشور» معرفی کند و بودجه ویژه‌ای برای توسعه آن اختصاص دهد؛ رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز در همان سال کمک مالی قابل توجهی به واحد خواهران اهدا کردند (همان، ص ۲۷۶).

در حوزه اندیشه دینی درباره‌ی اهتمام به زن مسلمان و متعالی در قرآن و روایات چنین برمی‌آید: از مهم‌ترین ادله‌ی دفاع از جداسازی محیط آموزشی میان خواهران و برادران طبق دستورات قرآنی، مستند به دستورات الهی درباره‌ی ارتباطات اجتماعی همسران پیامبر ﷺ است که در واقع الگویی برای تمام زنان مسلمان است؛ زیرا نخست، هرچند شأن و مورد نزول درباره‌ی همسران پیامبر ﷺ است، اما قرآنی عصری نیست و معارف ابدی‌شان با تخصیص موضوع، محدود نمی‌شوند است (صدر، ۱۴۳۴ ص ۴۴-۴۵؛ مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۲۸۷)؛ در حالیکه عصر صدور و حیات همسران پیامبر ﷺ هزاران سال است که به پایان رسیده است. دوم اینکه این همسران، در حکم مادران امت هستند و مفسده در ارتباط با ایشان کمتر متصور است. سوم اینکه بر حریم این زنان، شخصیت عظیم پیامبر اسلام ﷺ سایه افکنده است و بطور معمول جرأت طمع شهوانی به همسران ایشان کمتر است و یا وجود ندارد؛ لذا زنان پیامبر ﷺ اضعف مصادیق در شکل‌گیری مفاسد

در ارتباطات اجتماعی غیرسالم هستند (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹). در آیه ﴿...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾؛ و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر ﷺ] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است! (احزاب، ۵۳/۳۳). رکن ارتباطات بین نامحرم، طهارت قلبی و تقوا است و هر چه این ارتباط و اختلاط کمتر باشد آفات و آسیب‌های آن کمتر است؛ زیرا دیدن نامحرم و اختلاط، زمینه‌ساز بروز فساد است و به قول صاحب تفسیر نور «نگاه نامحرم به یکدیگر، در دل آنان تأثیرگذار است» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۹۲).

از آموزه‌های اساسی قرآن کریم مبتنی بر آیه ۳۰ سوره نور برای حفظ عفت و پیشگیری از آلوده شدن به شهوت، فرمان به غصّ بصر به معنای چشم‌پوشی و کنترل نگاه از دید نامحرم است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۵، صص ۱۱۱-۱۱۵). کنترل چشم از نگاه‌های آلوده و چشم‌چرانی سبب عفت و پاکدامنی است؛ چراکه میان عفت و پاکدامنی و کنترل چشم، ارتباطی عمیق و تأثیرگذار وجود دارد. شاعر نیز با دقت و نگاهی حکیمانه به این حقیقت اشاره کرده است:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

بسازم خنجری نیش ز پولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد^۱

از این رو در روایات اسلامی طبق فرموده الگو و اسوه زنان جهان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) که در پاسخ سوال پیامبر ﷺ از اینکه چه چیزی برای زنان بهتر است؟ فرمودند: ﴿خیر للنساء أن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال﴾ (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۶۳)؛ به این معنا که بهتر آن است که زنان مردان را نبینند و مردان نیز زنان را نبینند. آیت‌الله قاضی به قول آیت‌الله مکارم شیرازی با وجود فشارها و مخالفت‌ها، بر تفکیک کلاس‌های خواهران و برادران (تا آخر عمر خود) پافشاری کرد (همان، صص ۲۵ و ۳۸ و ۴۱) و نیز در دفاع از این اقدام، با استعانت از دستورات قرآن و معصومین (علیهم السلام) از هیچ سرزنش و مخالفتی نهراسید (مائده، ۵/۵۴؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱ و ۵۲۱). این رویکرد، مصداق تلاش خالص در راه خدا برای حفظ آموزه‌های اسلامی و سلامت اخلاقی و تربیتی دانشجویان بود (قاضی، ۱۳۸۸، ص ۳۸ و ۲۷۴). زیرا دفاع از آموزه‌های واجب دینی، زمانمند و مصلحت‌بردار نیست.

با توجه به اوصاف یادشده، رحلت ایشان مصداق روشن کلام امام صادق (علیه السلام) است که فرمودند: ﴿إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ ثَلَمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ﴾؛ هرگاه مؤمن فقیه از دنیا برود، شکافی در پیکره اسلام پدید می‌آید که هیچ چیز آن را پر نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸). هرچند کمال مطلق تنها از آن خداست، اما مرور گوشه‌هایی از زندگی آیت‌الله قاضی از شخصیتی کم‌نظیر حکایت دارد که موفقیت‌ها و اثرگذاری ماندگارش، گواهی بر تربیت‌یافتگی در مکتب قرآن و عترت است.

اندیشه راقی، همت عالی، دوران‌دیشی و محور سیره عملی ایشان یعنی اخلاص آیت‌الله قاضی نام ایشان را در ایران اسلامی جاودانه کرده است. سعدی شیرازی چه زیبا سروده است که:

^۱ بابا طاهر، دوبیتی‌ها، شماره ۲۳

سعیدا مرد نکو نام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکویی نبرند^۱

روح مطهرش حضرت استاد آیت الله قاضی خرم آبادی شاد و متنعم به همجواری اهل بیت علیهم السلام، یادش گرامی، در جاتش متعالی و راهش پر رهرو.

پیشنهاد: پیشنهاد می شود پژوهشگران، به ویژه اندیشمندان حوزه علمیه، دانشگاه قم و همه تربیت یافتگان مکتب علمی و معرفتی ایشان، در آینده، دیگر ویژگی ها و اوصاف شخصیتی این عالم و روحانی عالیقدر و کم نظیر ایران اسلامی را در پرتو آموزه های قرآنی و یا در نورانیت روایات اسلامی به ویژه اوصاف کارگزاران امام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه و یا ملهم از کلیدواژه های مندرج در پیام تسلیت مقام رهبری درباره ایشان در آموزه های دینی بررسی و تبیین کنند. چنین پژوهش هایی می تواند نمونه هایی روشن، عملی و الهام بخش از یک شخصیت قرآنی را برای حوزه و دانشگاه فرا روی نسل امروز و فردا قرار دهد.

نتایج

نتایج پژوهش نشان می دهد حضرت استاد آیت الله قاضی، تجسم عینی یک اسوه و الگو از یک شخصیت قرآنی است که توانسته با تلاش خستگی ناپذیر و اخلاص، الگویی عملی برای نسل های بعدی باشد. ویژگی های شخصیتی ایشان دست کم در ابعادی چهارگانه قابل طبقه بندی است:

۱. ابعاد اخلاق فردی: ایشان با دوری از بزرگ منشی، سکوت و مراقبت زبانی، و اوصافی برآمده از سلامت نفس شامل پرهیز از غیبت و بدگویی، سعه صدر، صبر و کنترل خشم، گذشت، ساده زیستی، پرهیز از دنیا طلبی و رضایت قلبی، نمونه ای از فضایل اخلاقی را به نمایش گذاشتند.

۲. ابعاد معنوی و ارزشی: رعایت بیت المال و اخلاص در عمل، معیار رفتاری او در تمامی فعالیت ها بود و نشان می داد که خدمات گسترده ایشان برای او یک عبادت و تکلیف الهی بود.

۳. ابعاد ابتکار خدمات اجتماعی: اقدامات گسترده او در حوزه های جهاد سیاسی، علمی، تربیتی، عمرانی و فرهنگی، از مجاهده با رژیم ستم شاهی، تا تأسیس مجتمع فاطمیه و دبیرستان علوی و مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب تا دانشگاه جامع قم و نیز حمایت از اقشار آسیب پذیر، مصداق بارز خدمت بی منت و اثرگذار بود.

۴. ابعاد بینشی و دوراندیشی: خط محوری تربیت نیروی مؤمن و کارآمد مبتنی بر نیازهای جامعه و اهتمام ویژه به امور بانوان، نشان دهنده آینده نگری و توانایی او در ایجاد زیرساخت های پایدار تربیتی و اجتماعی است.

این ابعاد در کنار خلافت، ابتکار و پایمردی، آیت الله قاضی را به الگویی تمام عیار در سطح حکمرانی حوزه و دانشگاه تبدیل کرده است.

^۱ سعدی شیرازی، دیوان سعدی، مواعظ، غزلیات، غزل شماره ۲۰

منابع

*قرآن کریم با ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

*نهج البلاغه

۱. بابا طاهر عربیان، دویستی های بابا طاهر
۲. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۳. بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۳). تاریخ بیهقی، تصحیح: علی اکبر فیاض؛ به اهتمام محمدجعفر یاحقی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم، محقق: سید مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۵. جلال الدین محمد بلخی مشهور به مولانا، مثنوی معنوی.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). زن در آئینه جلال و جمال، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ إِلَى تَحْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام).
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: موسسه فرهنگی ایمان جهادی.
۹. _____ . www.farsi.khamenei.ir
۱۰. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۱۱. _____ (۱۳۷۸). آداب الصلاة، چاپ ۷، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۱۲. سعدی شیرازی. دیوان سعدی.
۱۳. صدر، سید محمد باقر (۱۴۳۴). المدرسه القرآنیه، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم.
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۹۸۵). مجمع البحرین و مطلع النیرین، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۱۸. قاضی، مهدی (۱۳۸۸). تجلی اخلاص و ایثار، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲). پرسش ها و پاسخ ها، جلد پنجم، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۳). نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۶.